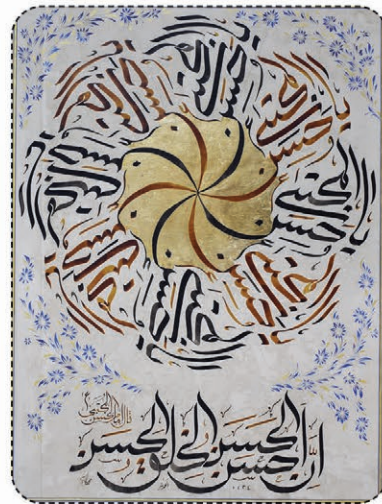


## فریدون حاجی زاده مبدع خط احرام و نقاشی مرغستان



داشتم. رو کردم به حرم حضرت علی علیه السلام و گفتم یا علی دست درد نکند، رسید. این ماجرا را برای آقای پورافشاری تعریف می کردم، در حالیکه دستم هم روی صفحه کتاب بود که صفحه به هم نخورد، در همان لحظه از گوشی موبایلم صدای اذان هم پخش شد و با کمال ناامیدی گفتم احد بلند شو برویم، پیدا نشد که نشد. تادستم را بلند کردم دیدم مطلب زیر دست من است. با صدای بلند گفتم: احد یافتم، یافتم. از مطلب بادوربین گوشی ام عکس و سپس کپی گرفتم. فوری رفتم انتشارات ضریح آفتاب و قصه را برای مدیر و مسئول مربوطه توضیح دادم و در حالیکه ظهر بود گفتم برای فردا عصر و به مناسبت تولد حضرت علی علیه السلام، من ۱۵۰۰ نسخه از این مطالب را چاپ شده و صحافی شده در قالب یک کتاب لازم دارم. ایشان گفتند: جناب حاجی زاده مگر خم رنگریزی است؟! برای فیلم و زینگ و چاپ و صحافی زمان نیاز است. گفتم من نمی دانم فردا مراسم است و این کتابها باید توزیع گردد. ایشان ماجرا را برای همکارانشان تعریف کردند و همه قول دادند شب تا صبح کار را انجام دهند. من سی دی را ظهر آن روز تحویل دادم و عصر فردای آن روز ۲۰۰۰ نسخه کتاب صحافی شده تحویل گرفتم.

در دهلی بود و دیگری در قاهره. ایشان لباس پوشیدند و رفتند حرم حضرت علی علیه السلام و گفتند: یا علی من این کتاب را برای شما دارم می نویسم و از حضرت علی علیه السلام خواستند که متن اصلی این حدیث را برایش پیدا کنند. علامه امینی می گوید، قطره اشکی هم از چشمان من چکید. ایشان از حرم به سمت خانه می آیند و لباس های بیرون را از تن بیرون می آورند و آماده برای نشستن

تمام کتاب هایی را که در دنیا راجع به حضرت علی (ع) می باشد را یا بصورت کتاب و یا میکرو فیلم و کپی موجود دارد. به ایشان زنگ زدم و سوال کردم چنین کتابی را دارید؟ گفتند بله. سریع با یکی از دوستانم به نام آقای پورافشاری خود را به این کتابخانه بزرگ و منحصر بفرد رساندیم. چون این کتابخانه پژوهشی است، مراجعه کننده اش زیاد نیست، کتاب های متعددی را آوردند و گشتم

آوردم تا هیچ شبهه ای باقی نماند. حتی ۲۰ آیه ای که اهل سنت گفته اند و در شأن علی علیه السلام است را آورده ام. حتی مواردی را که آقای مختاری نتوانسته بودند ترجمه کنند را من از طریق پدر یکی از دانش آموزان که هندی و به پنج زبان زنده دنیا مسلط بود، ترجمه اش را آوردم. از ایشان سوال کردم که آنجا که آمده است اوم عالیا، اوم عالیا، یعنی چی؟ ایشان گفتند: یعنی سلام

تایپ شده در اختیار دارم و هنوز چاپ نکرده ام. اولین کتاب خود را در زمینه خوشنویسی با عنوان "خط نستعلیق را ساده بیاموزیم" تالیف، چاپ و منتشر نمودم. "علی و پیامبران" عنوان کتاب دیگر من است. من گوشه هایی از این کتاب را در آستان قدس دیدم و کپی کردم، این کتاب ناقص است و حتی آقای مختاری موقع ترجمه به کلماتی رسیده اند که معنای آن مفهوم نبوده و از آن ها

آموزش و پرورش هدیه کردم و الباقی کتاب ها را اکنون که با هم گفتگو می کنیم در قفسه های اتاقم ملاحظه می فرمایید. به قصه نوشتن علاقه زیادی داشتم و حدود ۳۰ تا قصه نوشته ام. استاد ادبیات کود کان من در تربیت معلم گرگان از ما خواسته بود به عنوان بخشی از کارهای دانشجویی، قصه بنویسیم و تحویل دهیم. من چون همان زمان عازم جبهه بودم، بیش از ۳۰ قصه ای را که از قبل نوشته بودم به صورت جزوه به همکلاسی ام دادم تا تحویل ایشان دهند. بعد که از جبهه برگشتم استاد به من گفت: آقای حاجی زاده، قصه پنی و موش شما خیلی خوب بود و من نمره ۲۰ به شما دادم اما خیلی خوب از کلیله و دمنه کپی کرده بودی! رو به استاد گفتم باور بفرمایید من اصلا تاکنون کلیله و دمنه را نخوانده ام، ایشان گفتند امکان ندارد تو کلیله و دمنه را نخوانده باشی و بتوانی چنین قصه ای بنویسی! مضمون قصه من این بود که موش حرف بزرگتر خود را گوش نمی کند و به خاطر همین بی توجهی به حرف بزرگتر، داخل تله می افتد و می میرد. این قصه پیامش این است که بچه ها حرف بزرگترها را گوش کنند. در این قصه برخی از احادیث را هم آورده بودم. این قصه های متعدد را به صورت دست نوشته و در نهایت جزوه های

**کتاب ها و تابلوهای خوشنویسی من به هیچ عنوان در آمدزایی ندارد و بیشتر این کتاب ها اهدا می شود، البته بخشی به فروش می رسد اما سودی حاصل نمی شود. منبع در آمد من حقوق معلمی و در آمد حاصل از کشاورزی است. در مبحث خوشنویسی هم کاغذها و تذهیب و استفاده از مرکب های مخصوص میلیون ها تومان بار هزینه ای دارد و در آمدی از آن متوجه ما نیست. تمام آثار رایگان اهدا می شود. ساخت و آماده سازی این کاغذها و مرکب ها به گونه ای است که ماندگاری هزار سال را دارد. ما حتی در مبحث تذهیب و آماده کردن کاغذ گاه از طلای ۲۴ عیار هم استفاده می کنیم. بیننده تصور می کند چند تا هزار تومان برای یک کاغذ ساده و یک مقوا و چند قطره جوهر برای این آثار خوشنویسی هزینه شده است اما واقعیت این نیست.**

می شوند که یکی درب خانه ایشان را می زند. ایشان می گوید: رفتم درب را باز کردم و دیدم زن همسایه است و می گوید آقای امینی ما از اینجا داریم نقل مکان می کنیم، آمدم خدا حافظی کنم و در ضمن داخل وسایل ما تعدادی کتاب بود که آوردم خدمت شما، ببینید اگر به درد شما می خورد استفاده کنید. علامه می گوید: کتاب همان کتابی بود که من سراغش را در دهلی و قاهره

و دیدم خبری از مطلبی که من به دنبال آن هستم نیست، میز پر شد از کتاب و من هم صفحه به صفحه ورق می زدم. در حالیکه کف دستم روی صفحه ای از کتاب بود، رو به آقای احد پورافشاری که انسان دانشمندی است، کردم و قصه ای را نقل کردم. گفتم: علامه امینی که در نجف اقامت داشت، می خواست کتاب الغدير را بنویسد، دنبال حدیثی بود که آدرسش یکی

بر علی، سلام بر علی. مخلص کلام اینکه مواردی را هم که به زبان های قدیم و جدید و انگلیسی و فارسی بود همه را یکجا آوردم و حاصل آن کتابی است با عنوان "علی از دیدگاه قرآن کریم و پیامبران" که پیش روی شماست. حدیثی بود که من ترجمه اش را داشتم اما متن عربی آن را نداشتم و خیلی دنبال گشتم اما پیدا نکردم. کتابخانه آقای مجتهدی که در ایستگاه سراب واقع شده است،

رد شده اند. البته خود ایشان هم اشاره کرده اند که معنای این کلمات را نفهمیده اند. من این کتاب را گرفتم و مطالبی که سایر پیامبران راجع به حضرت علی (ع) گفته اند را به تحقیقات و دست نوشته هایم اضافه کردم و احادیث اهل سنت را هم از پیامبر اکرم (ص) با آدرس و منابع کامل اضافه کردم. به عنوان مثال اگر حتی منابع یک حدیث بیش از بیست منبع بود، اسامی همه منابع را

